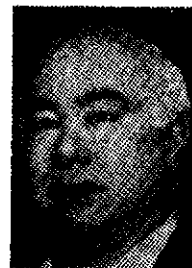


... و اینگونه ثروتمند می‌شوند!



نوشته منوچهر کیهانی

فقط ثروت‌ها بادآورده نیستند...

در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، بخصوص آن کشورهایی که یک منبع سرشار درآمد ارزی دارند، نظیر عربستان (نفت) و کنگو (مس)، ثروت آسان و سریع بدست می‌آید و لذا در این کشورها ثروتهای بادآورده‌ی زیادی وجود دارد. در رأس ثروتمندان یا دارائی‌های باد آورده حکمرانان این کشورها قرار دارند. ثروت «سوبوتو» را که اخیراً درگذشت. بین سه تا هشت میلیارد دلار تخمین زده‌اند. میزان ثروت «شاه» و خانواده‌اش دقیقاً معلوم نشد، اما مسلماً اندک نبود. خانواده «سوهارتو» جزء ثروتمندان جهان محسوب می‌شوند. معروف است که «ظاهر شاه» پادشاه سابق کشور فقیر افغانستان میلیونها دلار ثروت در اروپا دارد. هزاران ایرانی که قبل یا در طول و یا بعد از انقلاب ایران را ترک کرده‌اند و در بهترین مناطق اروپا و آمریکا اقامت دارند، در طول این مدت از برکت ثروتهای بادآورده‌ای که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بدست آوردند، زندگی با رفاه و پر هزینه‌ای را می‌گذرانند.

در این کشورها، چون ضوابط اعمال نمی‌شود، کنترل‌های دموکراتیک وجود ندارد و قوانین جنبه صوری دارد و تنها روی کاغذ نوشته شده‌اند، حکام و فرمانروایان خود را «مالک الرقاب» می‌دانند و قبل از همه دست به غارت بیت‌المال می‌زنند. پس از آنان نوبت خانواده و اقوامشان می‌رسد و سپس فرصتی هم برای معدودی از نزدیکان آنان و افراد خاص جامعه برای چپاول و غارت فراهم می‌شود.

در این کشورها فقط ثروت نیست که بادآورده است، بلکه مقامات و مشاغل، درجات و عناوین نیز بنحوی سهل و آسان بدست می‌آید که جای تأسف بسیار است.

تمام برادران «ملک فهد» وزیر هستند، اقوام نزدیکش مشاغل عمده و حساس را بعهده دارند و هیچ شرکتی نیست که خانواده وی در آن سهمی نداشته باشند. قویاً شایع است که قبل از جنگ خلیج فارس، پنج درصد از ارز حاصل از فروش نفت عراق مستقیماً به یکی از حسابهای رئیس جمهور این کشور حواله می‌شد.

اگر مقررات و قوانین کشورهای پیشرفته صنعتی در این کشورها حاکم و جاری بود، هم اکنون بیشتر

رجال آنها در بازداشت بسر می‌بردند، و البته اوضاع و احوال اقتصادی و سیاسی این کشورها هم بهبود می‌یافت. شایان توجه و جای تأثر بسیار است که در کشور عربستان فرد کوچکی را که لابد از روی ناچاری و فقر دست به دزدی زده است به سخت‌ترین و خشنونت‌آمیزترین شیوه مجازات می‌کنند، اما حاکمان در آنجا بدون هیچ‌گونه مسئولیتی، نه در برابر مردم و نه در برابر خداوند، مشغول غارت ثروتی هستند که به آحاد مردم آن کشور تعلق دارد!

این اولین بار نیست که...

چند ماه است که در روزنامه‌های کشورمان مطالبی درباره‌ی ثروتهای بادآورده و اینکه چگونه بعضی‌ها به دارئیهای کلان دست یافته‌اند، منتشر می‌شود. مقام رهبری و امام جمعه موقت تهران نیز نگرانیهای خود را در این باره اظهار داشته‌اند و مقامات قضائی همچون معمول «شمشیرهای چوبی خود را بر علیه آسیابها» به حرکت درآورده‌اند...

باید توجه داشت که این اولین باری نیست که در تاریخ معاصر ایران نسبت به صاحبان ثروت‌های کلان و بادآورده حساسیت نشان داده می‌شود و یا عده‌ای تقاضای ردیابی ثروتمندان و سلب مالکیت و مصادره اموال آنان را می‌کنند. در نیمه دوم دهه ۱۳۲۰ و نیمه اول دهه ۱۳۳۰ نیز عده‌ای از رجال و شماری از روزنامه‌ها مسأله ثروتهای کلان افراد را پیش کشیدند و با قانونی تحت عنوان «از کجا آورده‌ای؟» و یا «بندج» قصد داشتند سراغ صاحبان ثروتهای بادآورده رفته و از آنها سلب مالکیت کنند. اما این قانون هیچگاه اعمال نشد و هیچ ثروتمندی را محاکمه نکردند. معروف است که قوام السلطنه به هنگام نخست‌وزیریش برای واردات جو «جواز» می‌فروخته و پولش را به حساب خود واریز می‌کرده است. حال چه کسی می‌خواهد نخست‌وزیر راه که ضمناً یکی از ثروتمندترین و مقتدرترین افراد کشور است، محاکمه کند؟ یا هنگامی که پس از کودتای ۲۸ مرداد قرارداد نفت با کنسرسیوم امضا شد، عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی، سناتورها، وزراء و رجال سیاسی بر حسب توانائی و نفوذشان مبلغی به ارز خارجی از کنسرسیوم دریافت کردند، چه کسی در دستگاه قضائی می‌خواست، و یا جرأت و جسارت آن را داشت که اینان را احضار و

تعریف ثروت و معنای ثروت بادآورده

ثروت یک فرد عبارتست از مجموعه دارائی‌های وی که قابل تبدیل به پول باشد، یا در تعریفی دیگر «دارائی‌هایی که ارزش بازار» داشته باشند. علاوه بر این گونه دارائی‌های واجد خاصیت فیزیکی (نظیر خانه و اتومبیل)، مهارت و تخصص افراد جزء ثروت آنان، و «نام و نشان» یک کالا نیز جزء دارائی‌های ارزشمند یک شرکت محسوب می‌شود.

ثروت مبنای درآمد است و ارزش هر «دارائی» بستگی به بازدهی آن دارد. در یک اقتصاد سالم که در آن قوانین و مقررات حاکم است و کنترل‌های مداوم اعمال می‌شود، میزان بازدهی دارائی‌ها محدوداً مشخص است و چنانچه در بازاری سود دهی سرشاری وجود داشته باشد، بعلت رقابت آزاد، رقبا شروع به سرمایه‌گذاری در این بازار می‌کنند و در سود سهیم می‌شوند و در نتیجه با افزایش عرضه کالا یا خدمات از میزان سود اولیه می‌کاهند.

ثروت بادآورده یا سودهای فوق‌العاده زیاد با ارقام نجومی، شامل دارائی‌هایی می‌شود و یا سودهایی را در بر می‌گیرد که اکثراً «سهل» و «سریع» بدست آمده و در بیشتر موارد ضوابط و مقررات نادیده گرفته شده و یا توسط «زد و بنده» و «رشوه‌خواری» و یا براساس «وابستگی و نزدیکی» با مقامات تصاحب شده است.

فردی، شرکتی یا خانواده‌ای در عرض چند سال چنان ثروتی را می‌اندوزند (در داخل و خارج) که برای بدست آوردن آن مقدار از دارائی (در شرایط عادی) قرن‌ها وقت لازم باشد، البته اگر امکان تهیه آن وجود می‌داشت

محاكمه کند. شاکیان خود نیز همچون متهمان به فساد و رشوه آلوده بودند و در اکثر موارد بیشتر از آنان. در مدت کسوتاهی سر و صدای «از کجا آورده‌ای؟»، همانگونه که انتظار می‌رفت، خوابید. با مصادره‌ها و سلب مالکیت‌هایی که بعد از انقلاب رخ داد دارایی‌های بادآورده آن عده که نتوانسته بودند به موقع تمام ثروت خود را از ایران خارج کنند تا حد قابل ملاحظه‌ای پس گرفته شد.

هر چند تعدادی از املاک و مقادیر زیادی از اموال افراد که سهره‌آ و به ناحق مصادره شده بود، دوباره طبق رأی دادگاه‌های مربوطه به صاحبان آنها برگردانده شد، اما ثروتهای زیادی وجود دارد که مصادره شده و در اختیار دولت و یا بنیادها قرار دارد.

با استقرار جمهوری اسلامی و گزینش نظام اقتصادی مختلطی که در آن دولت نقش اساسی در اداره کارخانجات، کنترل قیمت‌ها، دادن مجوز واردات برای اکثر کالاها، تعیین سهمیه ارزی و مواد مصرفی رابه عهده گرفت، زمینه برای بهره بردن از این امتیازات فراهم شد. بوجود آمدن اختلاف زیاد بین قیمت کالای دولتی و بازار آزاد و چندگانگی نرخ ارز (حتی تا پنج نرخ)، نه تنها افراد عادی را از راه راست منحرف کرد، بلکه در بعضی موارد به علت سودهای کلان می‌توانست «زاهدان و عابدان» را نیز به انحراف کشاند.

اختلاف فاحش بین نرخ ارز دولتی و ارز آزاد، بین نرخ سیمان دولتی و بازار آزاد، بین نرخهای بهره دولتی (بخوان سود تضمین شده) و نزول پول در بازار آزاد، بین قیمت چسای و شکر دولتی و

بازار آزاد و غیره... هر فردی را وسوسه می‌کنند که پنحوی با تشبث به این و آن، «زدوبند»، «رشوه دادن» و وابستگی به مقامات از این همه امتیازات استفاده کند و سریع ثروتمند شود.

این اختلاف قیمت‌ها «رانت» را به معنای اقتصادی پدید می‌آورد و تا هنگامی که این اختلاف نرخها وجود دارد «رانت جویان» هم در اجتماع خواهند بود و هر قدر اختلاف نرخهای دولتی و بازار آزاد بیشتر باشد، شدت و حدت کوشش‌ها برای بهره‌برداری از این وضع زیادتر خواهد بود.

در چنین شرایطی، نه موعظه و نصیحت مؤثر است و نه دستگاه تعزیرات! دولت در مبارزه با این وضع همانقدر موفق خواهد بود که در مبارزه با قاچاق

توفیق یافته است. بخصوص اینکه «رانت جویان» اقتصادی افرادی نیستند که از سایر کشورها یا کرات دیگر به کشور هجوم آورده باشند، اینان اکثراً نزدیکان و وابستگان مراکز قدرت و یا اشخاص «قابل اعتمادی» هستند که «قوام السلطنه» به آنان «جواز جو» می‌فروخت!

شد که عده زیادی صاحب ثروتهای باد آورده شوند و این روند هنوز هم ادامه دارد...

متوسط قیمت هر متر مربع زمین در تهران از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۵ از مبلغ ۴۵ هزار تومان به ۱۲۲ هزار تومان افزایش داشته است و در همین مدت متوسط قیمت یک متر مربع زیر بنای مسکونی از ۵۰ هزار تومان به ۱۶۰ هزار تومان ترقی یافته است. به عبارت دیگر، قیمت یک متر مربع زیر بنای مسکونی هر ساله حدود یکصد درصد زیادتر شده است.

طبق گزارش سازمان ملی زمین و مسکن متوسط قیمت یک متر مربع زمین در نیمه اول سال ۱۳۷۵ نسبت به نیمه اول سال ۱۳۷۴ در شهر گرگان ۸۹ درصد، در شهرهای همدان، مشهد، تبریز، اصفهان و شیراز بین ۶۰ تا ۸۰ درصد، در شهرهای یزد و قزوین بین ۵۰ تا ۶۰ درصد، در شهرهای تهران، قم، زنجان و اردبیل بین ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش داشته است.

متوسط قیمت فروش یک متر مربع زیر بنای واحد مسکونی در نیمه اول سال ۱۳۷۵ در تهران حدود ۱۵۸ هزار تومان، در کرج، شیراز، اصفهان و قزوین حدود ۶۵ هزار تومان و در شهرهای تبریز، رشت و مشهد حدود ۵۵ هزار تومان بوده است.

به علت افزایش جمعیت و گسترش شهرها، زمین از دیر باز یکی از وسایل ثروتمند شدن افراد بوده است و چون برنامه‌ریزی دقیق میان و دراز مدت وجود ندارد تا به وضع زمین و مسکن سامان دهد، افزایش قیمت همچنان ادامه خواهد داشت. در

حال حاضر در کشور حداقل یک «تقاضای عقب رانده شده» برای حدود یک میلیون واحد مسکونی وجود دارد. و اگر قرار باشد در این بازار تعادلی بوجود آید، باید حداقل سالانه رقمی حدود چهارصد هزار واحد مسکونی جدید ساخته شود. آنچه فعلاً سالانه در کل کشور ساخته می‌شود حدود یکصد هزار تا یکصد و بیست هزار واحد مسکونی است. باید در نظر داشت که حداکثر ظرفیت تولید واحدهای مسکونی در کشور رقمی بین ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار واحد است.

کوشش تعدادی از افراد متنفذ که سعی دارند دهستان را به بخش، بخش را به شهرستان و شهرستان را به استان تبدیل کنند، بیشتر از منافع مالی زمین داران سرچشمه می‌گیرد. این گروه امیدوارند اگر هم عملاً



حال به طرق مختلفی که افراد توانستند از آن راهها در دو دهه اخیر به ثروتهای کلان دست یابند، می‌پردازیم:

خرید و فروش زمین و آپارتمان

یکی از آسان‌ترین و مطمئن‌ترین طرق دستیابی به ثروتهای کلان خرید زمین و مسکن و سپس فروش آن است «بساز و بفروشی» نیز در همین مقوله مورد بررسی قرار می‌گیرد. افزایش قیمت زمین، مال الاجاره و واحد مسکن نقش مهمی در ازدیاد ثروت دارد؛ به عبارت دیگر، از راه افزایش تورم در این موارد (زمین و مسکن) صاحبان آن ثروتمندتر می‌شوند. چه قبل و چه بعد از انقلاب ترقی قیمت زمین و مسکن سبب

هیچ تغییری در وضع عمرانی و رفاهی شهرستان و استان پدید نیاید، لاقلاً قیمت زمین‌ها صعود کند.

در چنین آشفته‌بازاری که تقاضا زیاد و عرضه واحدهای مسکونی فوق‌العاده محدود است، شهرداریها، بخصوص شهرداری تهران به جای اینکه کمکی برای مردم باشند، از این وضعیت سوء استفاده می‌کنند و «تراکم» می‌فروشند، یعنی در عمل فضای هوایی روی زمین دیگری را که ملک به او تعلق دارد به خود وی می‌فروشند و اجازه می‌دهند هر چند طبقه که مایل باشد روی آن بنا کند. شهرداریها با پول کلانی که

از این بابت با از «صاحب ملک» و یا از «ب ساز و بفروشها» دریافت می‌کنند. و اینان چندین برابر این مبلغ را به خریدار نهائی انتقال می‌دهند، از یک طرف، سبب ایجاد ثروتهای کلان برای «ب ساز و بفروشها» می‌شوند و از طرف دیگر، زمینه را برای افزایش قیمت واحدهای مسکونی مساعد می‌کنند.

در هیچ کجای دنیا چنین وضعی وجود ندارد که شهرداری «تراکم» بفروشد و افراد هر طور دلشان بخواهد، بسازند. در کشورهای دیگر خانه‌سازی یا ساختمان مجدد یک واحد مسکونی طبق برنامه و ضوابطی انجام می‌شود که از قبل به تأیید «متخصصین فن» و «مدیران شهر» رسیده و منافع مالی شهرداری مد نظر نبوده است و نیست، بلکه زیبایی و توازن شهر و رفاه اهالی محل در اولویت نخست قرار داشته، و دارد. خرید و فروش زمین و مسکن در کل کشور، آپارتمان و برج سازی در شهرها یکی از راههایی است که افراد با توسل به آنها به ثروتهای کلان دست می‌یابند. در کشورهای جهان سوم «اموال غیر منقول» چنان اهمیتی دارد که هیچ «مال منقولی» را نمی‌توان با آن مقایسه کرد.

خریده‌های خارجی

یکی از سهل‌ترین راههای بدست آوردن درآمد نامشروع و کلان دریافت «پورسانت» یا «کمسیون» و «اورپرایز» در معاملات خارجی است. واردات کنندگان بخش خصوصی علاقه‌ای به دریافت «کمسیون» ندارند، چون کالا متعلق به خود آنان است، اما اینان در نوشتن «فاکتور»های شرکت‌های خارجی اعمال نفوذ می‌کنند و چون برای واردات ارز دولتی می‌گیرند، سعی دارند قیمت بیشتری (اورپرایز) منظور شود تا ارز زیادتری دریافت کنند و مابه‌التفاوت را در بازار آزاد بفروشند. حال هر قدر این تفاوت-بین خرید واقعی و صورت حسابها- بیشتر باشد، درآمدی آسانتر و زیادتر از راه فروش ما به تفاوت ارز نصیب

● وقتی تفاوت بین قیمت ارز و کالاهای دولتی با قیمتهای بازار آزاد فاحش باشد، نه نصیحت و موعظه کارساز است و نه دستگاه تعزیرات.

همه جا اکثریت کامل دارند، کارمندان و خریداران و مسئولین بازرگانی که حتی یک ریال را نیز جابه جا نمی‌کنند و در بعضی موارد با سختی روزگار می‌کنند، اما نظر به هیچ چیزی ندارند، شکر خدا تعداد اینان زیاد است و در اکثریت قرار دارند.

اما از طرف دیگر، تعدادی از خریداران دولتی بخاطر گرفتن کمسیونهای بالا، برنج شکسته وارد می‌کنند، داروی فاسد می‌خرند و بر خرید گوشتهای مشکوک مهر تأیید می‌زنند، گاهی ما مجبوریم از هر جا که ممکن است، مواد اولیه یا مواد غذایی خریداری کنیم، چون مدتی است آن کالا در

کشور کمیاب است. این امر همراه با داشتن انتظار دریافت کمسیون سبب شده است که ما در سطح دنیا جزء بدترین خریداران باشیم، یعنی اجناس را با قیمت بالا و کیفیت نازل خریداری کنیم.

مجوزهای صادرات و واردات

دریافت جواز صادرات یا واردات نظیر بردن در «شرط بندی» و یا «بخت آزمایی» است. این مجوزها در

آنان خواهد شد. مضافاً اینکه با وارد کردن کالا و فروش آن در بازاری که تورم بر آن حاکم است، سود فراوانی خواهد برد. کم نیستند افرادی که در بخش خصوصی از این طریق به ثروتهای کلانی دست یافته‌اند.

اما از آنجا که بیشتر واردات کشور توسط سازمانها و ارگانهای دولتی انجام می‌شود و میزان واردات کشور هم کم نیست، امکان دریافت

«پورسانتهای» بالا، زیاد است. هر ساله حدود ۳ تا ۴ میلیارد دلار صرف خرید مواد غذایی و دارویی می‌شود. حدود ۴ میلیارد دلار برای واردات مواد اولیه صنایع، لوازم یدکی و قطعات به این بخش تخصیص می‌یابد. وزارتخانه‌های نیرو، نفت و غیره نیز جمعیاً چند میلیارد دلار صرف خرید لوازم یدکی و سرمایه‌گذاریهای جدید می‌کنند. به عبارت دیگر، هر سال رقمی بین ۱۲ تا ۱۴ میلیارد دلار صرف خریدهای خارجی می‌شود. حال اگر فرض کنیم که تنها پنج درصد این رقم (۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار) بصورت «کمسیون»، «حق الزحمه»، «حق خرید» دریافت شود، چه ثروت کلانی را عاید خریداران دولتی می‌کند!

لازم است فوراً توضیح داده شود که کم نیستند و در

دورالک

شرکت صنایع آلومینیوم، تولیدکننده:

- در و پنجره، پارتیشن و نمای آلومینیومی دورال
- پروفیل‌های صنعتی و غیر صنعتی دورال
- سقف کاذب و اکوستیک آلومینیومی دورال (دامپا)

آدرس: تهران - خیابان سید جمال الدین شماره ۹۲
تلفن: ۸۷۱۷۹۶۴ - ۸۷۱۹۰۳۲ - فاکس: ۸۷۱۹۶۰۰

درو پنجره و پروفیل آلومینیومی دورال با مهر استاندارد



کشور ما دارای چنان ارزشی است که فرد متقاضی برای بدست آوردن آنها از پرداخت هرگونه رشوه و یا توسل به هر «زد و بند» لازمی ابا نمی‌کند. وقتی قرار می‌شود که تنها در مدت فوق‌العاده کوتاهی مثلاً فلان مقدار پیاز یا سیب زمینی و یا پنبه صادر شود و یا فقط می‌توان تعداد مثلاً یکصد هزار رأس گوسفند زنده

آزاد بود، تقاضاهای زیادی برای احداث کارخانه سیم و کابل‌سازی عرضه می‌شد، همین امر نیز باعث شد که تعداد کارخانه‌های کابل‌سازی که اوایل انقلاب حدود بیست و پنج واحد بود به یکصد و شصت واحد برسد. خیلی از آنها کارگاههای کوچک و محقر مفتول‌کشی هستند و نه کارخانه مدرن کابل‌سازی، چون هدف از

اینهمه دکان سوهان‌فروشی و کارگاههای سوهان‌پزی در شهر مقدس قم بیشتر به خاطر سهمیه آرد و شکر و روغن است تا فروش سوهان معروف و مطلوب آن شهر.

حتی کوشش افراد زیادی برای دریافت جواز انتشار نشریه‌ای، می‌تواند مربوط به دریافت کاغذ دولتی با قیمت خیلی ارزاتر از بازار آزاد باشد تا علاقمندی به چاپ مطالب جالب برای خوانندگان نشریه.

دریافت سهمیه دولتی یک منبع مستمر درآمد گاهی سرشار را برای گیرنده آن ایجاد می‌کند. البته امکان آن هست که همچون مس، اختلاف قیمت از بین برود، اما هنگامی که دولتها در کشورهای جهان سوم به علل خاصی سوسید می‌دهند و سعی دارند کالاهائی ارزاتر به دست مصرف‌کننده برسد و از طرف دیگر قادر به کنترل و نظارت‌های دقیق نیستند، زمینه برای این سوء استفاده‌ها مساعد می‌شود.

دلالتی و شبکه توزیع

منظور از دلالتی در اینجا، مفهوم وسیع آن به معنای خرید و فروش، تجارت، احتکار، اختلال در شبکه توزیع و ایجاد انحصارگری یا شبه انحصارگری و بوجود آوردن بازارهای کاذب است. هدف دلال، تاجر و یا یک فرد بازاری که دارای ویژگی‌های اخلاقی خاص خود است، بردن بالاترین میزان سود در حداقل مدت ممکن است. چنین فردی تمایل به سرمایه‌گذاری دراز مدت و میان مدت ندارد و از آن پرهیز می‌کند. او سعی دارد «ریسک» نکند، کالای موجود یا در دست تهیه را بخرد، خوب بفروشد و اگر بازار «شیرین» نبود، احتکار کند و بعد با قیمت «مناسب» بفروش رساند و به درآمد و ثروت کلان دست یابد.

ثروت آسانی که فرد تاجر یا دلال بدست می‌آورد از دو منبع حاصل می‌شود: تولید و مصرف. تولیدکننده با فروش ارزان کالای خود و مصرف‌کننده با قیمت زیاد خرید خود درآمد بالایی دلال را فراهم می‌آورند. اختلاف زیاد بین قیمت تمام شده و خرید کالا و قیمت زیادی که به مصرف‌کننده تحمیل می‌شود، حکایت از سودهای کلانی دارد که واسطه‌ها، دلال‌ها و برخی از تاجران می‌برند. بازار فرش و میوه بهترین شاهد بر این مدعا است.

این بازار، «رقابتی» یا «چند قطبی» نیست که قیمت میوه را معین می‌کند، بلکه این تعداد معدودی دلال در بازارهای «تره و باره» هستند که انحصارگرانه کالای کشاورز را «فی» می‌زنند و از طرف دیگر قیمت فروش را مشخص می‌کنند و این قیمت تا به دست مصرف‌کننده می‌رسد، بسته به محل فروش، باز هم بطور متفاوت افزایش می‌یابد.



ایجاد آنها دریافت سهمیه مس و فروش تمامی و یا قسمت اعظم آن در بازار آزاد بوده است، نه تولید سیم و کابل. حالاکه شرکت مس قیمت فروش مس را آنقدر افزایش داده که هم سطح بازار آزاد و قیمت‌های جهانی شده، کارگاه‌ها رغبت زیادی به دریافت سهمیه ندارند و خیلی از آنها تعطیل شده‌اند و تعدادی نیز که دایر هستند با ظرفیت کمی - حدود یک سوم - تولید می‌کنند.

از آنجاکه سازمانهای دولتی پس از تحویل دادن سهمیه در بیشتر موارد دیگر کنترل و نظارتی انجام نمی‌دهند که فرد تحویل گیرنده با سهمیه‌اش چه می‌کند، دریافت هر نوع کالای سهمیه‌ای که اختلاف قیمت با بازار آزاد داشته باشد، خواهندگان زیادی پیدا می‌کند. تنها مسأله تحویل سهمیه آرد نانوائیها از این قاعده مستثنی است و در آن کنترل می‌شود که خبازان و تحویل گیرندگان آن را به مصرف واقعی برسانند. مسعها در مورد آرد هم جایجائی و فروش پس از تحویل گرفتن آن، به شیوه‌ای خاص رواج دارد.

اینکه در استان تهران بیش از یک هزار موافقت اصولی برای تولید ماکارونی صادر شده است، به خاطر تولید ماکارونی نبوده، بلکه هدف، به احتمال زیاد استفاده از آرد دریافتی است. همچنین وجود

صادر کرد، آنوقت می‌توان به اهمیت دریافت جواز صادرات این کالاها پی برد!

دریافت مجوز واردات کالا از اهمیت بیشتری نسبت به صادرات برخوردار است، چون جواز واردات همیشه همراه با دریافت ارز مورد نیاز است و فرد واردکننده می‌تواند همچون دیگران قیمت جنس خریداری شده را بیشتر از قیمت واقعی آن اعلام کند و ما به تفاوت ارز را در بازار آزاد بفروشد، علاوه بر اینکه واردات کالا نیز برایش سودآور است.

معروف است که قبل از اینکه صادرات با واردات کالای معینی در جراید اعلام شود، جواز آن صادر شده است. از اینرو، اگرچه مجوزهای صادرات و واردات سودهای فوق‌العاده زیاد عاید می‌کند، بهمان اندازه نیز دستیابی به آنها مشکل است و احتیاج به روابط فوق‌العاده نزدیک با مراجع تصمیم‌گیری دارد.

دریافت سهمیه دولتی

دریافت سهمیه دولتی هنگامی مقرون به صرفه و سودآور است که قیمت کالای دولتی نازلتر از قیمت بازار آزاد باشد. هر چه این اختلاف قیمت بیشتر باشد، کوشش و تلاش برای دریافت سهمیه نیز زیادتر است. تا هنگامی که قیمت مس دولتی (سهمیه) بیشتر از بازار

معروف است که بازار کل «تره بار» و «صیفی جات» کشور پهنار و شصت میلیون نفری ایران فقط توسط پنجاه خانواده تنظیم، اداره و قیمت گذاری می شود.

قدرت انحصار گرانه اینگونه دلالتها تا حدودی از آنجا ناشی می شود، که آنان وظایف سازمانها، ارگانها و بانکهای را انجام می دهند که یا وجود ندارند و یا اگر وجود دارند قادر نیستند وظایف خود را بطور کامل انجام دهند. این واسطه ها به کشاورزان وام می دهند (البته با نرول) و یا محصولات آنان را سلف می خرند و بدین طریق به کشاورزان امکان گذران زندگی خود و کشت محصولاتشان را می دهند، کاری که وظیفه شرکتهای تعاونی و بانکهای کشاورزی است.

در سایر بازارها نیز وضع بهتر نیست. تمام تولید پارچه یک کارخانه را یک دلال یا تاجر پیش خرید کرده است. چرم مصنوعی کارخانه دیگری را و نفر دلال برای چند سال سلف خرید کرده و در بازار این کالاها حالت انحصاری بوجود آورده اند. محصولات برقی یک کارخانه دیگر را تاجر پولدار سه ماه به سه ماه پیش خرید می کند و در بازار به قیمت دلخواه خود مخفیانه می فروشد.

تخمین و حدس کارشناسان حاکی است که حدود ۷۰ تا ۸۰ (و شاید هم تعداد بیشتری) کالاها صنعتی به جای اینکه مستقیماً توسط تولیدکنندگان توزیع شود از مسیر دلالان و واسطه ها می گذرد و با قیمت های انحصاری به دست مصرف کنندگان می رسد. شبکه توزیع به جای اینکه همچون خط مستقیمی از تولیدکننده - عمده فروش - خرده فروش - به مصرف کننده ختم شود، در همان مرحله اول تولید توسط دلالان و واسطه ها مختل می گردد، و مسیر آن تغییر می یابد و کالا احتکار و انبار می شود و با پدید آمدن کمیابی و یا نایابی کاذب کالا قیمت ها بالا می رود و پس از تثبیت قیمت در سطح بالایی، دلالتها جنس را به بازار عرضه می کنند و بدین طریق سودهای کلانی بدست می آورند.

چنین بازارهای کاذبی را که در آنها قیمت ها یکباره افزایش می یابند و گاه به چند برابر می رسند، مرتباً در مورد مسکن، سیمان و غیره... شاهد هستیم. هر چند در غالب موارد دلالان مستقیماً از مقامات دولتی برای سوء استفاده ها و درآمدهای کلان شان کمک نمی گیرند. و از موقعیت ها، کمیودها، ناتوانی های سازمانها و ارگانهای دولتی بهره می گیرند، اما هنگامی وضع اسفبار می شود که رابطه مستقیم و همکاری تنگاتنگی بین برخی مقامات دولتی و واسطه ها بوجود آید.

● بورس زمین و مسکن و شیوه عمل شهرداریها در تراکم فروشی، و همگامی آنها با بساز و بفروشها یکی از دلایل رسیدن گروهی از افراد به ثروت های نجومی است.

دولتی با پول حاصل از این «عملیات» بتدریج چندین کارخانه احداث کردند و از این راه صاحب ثروت های کلان شدند. واسطه ها هم که ثروتمند بودند، ثروتمندتر شدند و کارشان را در همان خط دلالی و واسطه گیری ادامه دادند.

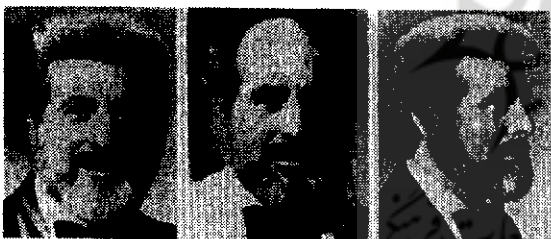
قدرت دلالها و واسطه ها در بازار آنقدر زیاد است که عملاً بخش صنعت تحت تأثیر تمایلات آنان قرار دارد و سود تولیدات صنعتی مستقیماً نصیب آنان می شود. کارخانجات ارز به قیمت دولتی دریافت می کنند و تولیدات خود را با قیمت این ارز به واسطه ها می فروشند و آنان سپس همین تولیدات را با قیمت ارز آزاد به مصرف کنندگان تحویل می کنند و از این راه به سودهای سرشار و درآمدهای بادآورده دست می یابند.

تأسیس شرکتهای خصوصی در جوار شرکتهای یا سازمانهای دولتی
با آغاز اجرای سیاستهای «تعدیل اقتصادی» و

قبل از انقلاب که تولید فولاد و آهن در کشور ناچیز بود و کشور هر ساله به واردات مقادیری آهن آلات نیاز داشت، دو نفر از مقامات بالای کشور همراه با عده ای واسطه شروع به خرید و جمع آوری آهن کردند. پول خرید را واسطه ها پرداختند. و به محض اینکه اکثر آهن آلات موجود در بازار توسط اینان خریداری شد، مقامات بالای

کشور بخشنامه ای صادر کردند که واردات آهن آلات ممنوع است، به محض انتشار بخشنامه قیمت آهن آلات شروع به بالا رفتن کرد و چون اینان از وضع بازار آگاه بودند، آهنها را نفروختند تا قیمت ها به حد اکثر رسید، آنگاه شروع به فروش تدریجی کردند تا قیمت دقماً کاهش نیابد. در این ضمن با افزایش قیمت آهن آلات سر و صدای مردم بلند شده بود. وقتی اینان تمام آهن آلات را به قیمت زیاد و با سود کلان فروختند، مقامات دولتی با صدور بخشنامه جدیدی اعلام کردند که چون قیمت آهن آلات افزایش یافته و مردم دچار نارضایتی شده اند، ورود آهن آلات منبعاً آزاد است و بدین طریق متنی هم سر مردم گذاشتند! سود حاصل را این افراد بین خود تقسیم کردند. مقامات

قصر مو، اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران و خاور میانه



به مدیریت: وارطان

که صاحب طولانی ترین، مطلع ترین و یکی از بزرگترین استادان ترمیم مو است

توصیه قصر مو به مراجعین محترم:
قبل از مراجعه حتماً نوع ترمیم را مقایسه کنید، بعد انتخاب

«ضمناً: دارای انواع مدل های کلاه کیس»

برای کسب اطلاعات و مشاوره از ساعت ۹ صبح الی ۱۳ و ۳ تا ۶ بعد از ظهر مراجعه فرمائید

آدرس: بلوار کشاورز - خیابان فلسطین شمالی
ساختمان ۵۵ طبقه سوم. تلفن: ۸۹۴۱۳۶

خصوصی سازی، سنتی بی سر و صدا و بطور خزننده مرسوم، و راهی گشوده شد که به ثروتمند شدن عده زیادی از مقامات و مدیران دولتی انجامید. این طریق ثروتمند شدن مقامات عبارت بود از تأسیس شرکتهای خصوصی یا سهامی خاص توسط آنان در جوار همان شرکت یا سازمان دولتی که در رأس آن قرار داشتند. شرکت «متیل» در جوار شرکت فولاد مبارکه تأسیس شد که برای این شرکت تمام خریدها را انجام می داد و تولید فولاد مبارکه نیز از طریق این شرکت به فروش می رسید و شرکت متیل از هر دو مورد خرید و فروش که به میلیاردها تومان می رسید، کمسیون برمی داشت. به علاوه مدیران شرکت متیل که در عمل مدیران شرکت فولاد مبارکه بودند، از این شرکت حقوق و پاداش می گرفتند!

طبق گزارشی که در جراید نیز انتشار یافت (کیهان ۱۸/۵/۷۶)، تنها در سال ۱۳۷۴ ما به التفاوت قیمت کتل فولاد تولید شد و در کشور که در بکارخانه بفروش رفته با قیمت توزیع شده در بازار آزاد، ۲۲۰ میلیارد تومان بوده است.

وزارت جهاد شرکتهای را به نام «جهاد رازی» تأسیس کرده که تمام تسهیلات سرم سازی حصارک (رازی) را می خورد و حداقل ۲۵ درصد سود به آن اضافه می کند و بعد به نام خود می فروشد. تا قبل از تغییرات اخیر در رأس این شرکت معاون محترم وزارت جهاد قرار داشته و اعضای هیأت مدیره شرکت

«جهاد رازی» را عده ای از مقامات محترم وزارت جهاد تشکیل می داده اند. «جهاد رازی» علاوه بر کالانی را که سرم سازی رازی در داخل و خارج احتیاج داشته باشد، خریداری می کند و حق الزحمه خود را به قیمت خرید می افزاید!

متأسفانه آمار دقیق و مشخصی در مورد اینگونه شرکتهای وجود ندارد، ولی می توان تصور کرد که تعداد آنها اندک نیست و هر کجا مقامات محترم توانسته اند، شرکت خصوصی در کنار همان شرکت دولتی که خود در رأس آن بوده اند، تأسیس کرده اند.

اخذ موافقت های اصولی با ارزیابی

یکی از طرقی که افراد معدودی توانستند به ثروت های کلان دست یابند و صاحب کارخانه های چند میلیاریدی شوند، توفیق در اخذ موافقت های

اصولی با ارزیابی های زیاد بود. این افراد که بدون شک وابستگی های زیادی داشتند، توانستند در بعضی موارد بطور مجانی مالک یک کارخانه مدرن و مجهز شوند. مکانیزم کار اینگونه بود که این افراد با افزایش قیمت خرید کالاها، خارجی، ارزی بیشتر از مقدار مورد احتیاج دریافت می کردند و این ارز را در بازار آزاد می فروختند و با این پول کارخانه خود را می ساختند و احياناً اگر ما به تفاوت میزان دریافتی کفایت می کرد مبلغ ریالی ارز دولتی را هم می پرداختند و الا آنرا از بانک وام می گرفتند.



چون این افراد صاحب نفوذ بودند، در خیلی از موارد زمین مجانی نیز از دولت می گرفتند و تقریباً کارخانه برایشان تقریباً مجانی تمام می شد. البته لازم به تذکر است که تعداد این افراد معدود است و برعکس بسیاری افرادی که موافقت اصولی گرفته اند و به علت مشکلات عدیده کار را نیمه تمام گذاشته و سوله ها را به باد و باران و آفتاب سپرده اند! علی الاصول باید توجه داشت، در هر مورد که دولت امتیازی قائل شد، اما کنترلی اعمال نکرد، زمینه برای سوء استفاده ها فراهم گردید و بسته به اهمیت و وسعت امتیازات، دامنه این سوء استفاده ها هم بیشتر وسعت یافته است.

خصوصی سازی

خصوصی سازی که در ایران به خود تعریف:

«واگذاری کارخانه ها بطور خصوصی به دوستان و مقامات» را اختصاص داد، موجب شد که تعدادی از مدیران، مقامات و وابستگان آنان و یا بنیادها خیلی سهل و ساده پرسودترین و بهترین کارخانجات را تصاحب کنند و از این راه به ثروت های کلان دست یابند.

در نقل و انتقال بعضی از کارخانجات، فروشنده و خریدار یکی بوده است. خریداری در یک مورد تمام اقساط کارخانه را از محل سود آن و یا فروش کالاها انبار شده آن که به فروش نرفته بود، و در ارزیابی به قیمت تمام شده محاسبه شده بود، پرداخت. در مورد خرید یک کارخانه چند میلیارد تومانی، خریداران در وهله اول فقط هفتاد هزار تومان به صندوق دولت واریز کردند. با این مبلغ در آن زمان یک فرد عادی نمی توانست حتی یک جارو برقی «آگ» خریداری کند، چه رسد به خرید یک کارخانه چند میلیارد تومانی.

در یک مورد دیگر، خریداران نه فقط پیش قسطی پرداخت نکردند، بلکه پول سفته های تضمینی را نیز سازمان فروشنده از جیب خود داد. این خریداران بتدریج از محل سود کارخانه اقساط آنرا پرداختند و پس از مدتی کوتاه صاحب یکی از با ارزش ترین پرسودترین کارخانجات کشور شدند و به میلیاردها تومان ثروت باد آورده دست یافتند.

البته باید توجه داشت که در کل شاید بیش از ده درصد کارخانجات دولتی خصوصی سازی نشد و این برنامه پس از شروع، به علت سوء استفاده های فوق الذکر متوقف ماند، اما همین امر وسیله ای شد که عده ای به ثروت های کلان دست یابند.

بورس و خرید و فروش سهام

با آغاز خصوصی سازی، بورس که سالها فعالیتی نداشت دوباره فعال شد و سهام تعداد زیادی از شرکتهای دولتی را از طریق آن به مردم عرضه کردند. قیمت سهام شرکتهای عرضه شده به بورس، همراه با اقدامات تبلیغاتی دست اندرکاران این بورس سبب شد که قیمت سهام مرتباً افزایش یابد و این روند تا سال گذشته ادامه داشت.

پس از عرضه سهام بعضی شرکتهای، قیمت آنها در

بورس فوق‌العاده افزایش یافت، مثلاً سهام کارخانه ارج چهارده برابر شد و یا سهام توسعه بهشهر به یکپنجاه و هفتصد تومان رسید و افرادی که این سهام را با قیمت کم خریداری و به موقع به قیمت زیاد فروختند، سودهای کلانی بدست آوردند.

علاوه بر این افراد، عده زیاد دیگری هستند که با دستیابی به «اطلاعات داخلی» و با خرید و فروش‌های به موقع، ثروتهای کلانی را بدست می‌آورند. در این بین کارگزاران و مسئولین بورس نیز نقش مهمی دارند. امکان دستیابی عده‌ای معدود به ثروتهای کلان از طریق بورس ناشی از عوامل مختلف، منجمله ارزیابی نادرست سهام شرکتها به هنگام عرضه کردن در بورس عدم رعایت قوانین و مقررات موجود و فقدان قوانین و مقررات دیگری است که در سایر کشورها وجود دارد و سوء استفاده و «بورس بازی» را غیرممکن می‌سازد. نه تنها این قوانین و مقررات سخت، و از آنها مهتمتر کنترلهای دقیق کارگزاران در ایران وجود ندارد، بلکه مقررات موضوعه نیز مراعات نمی‌شود و نتیجه آن، تصاحب ثروتهای زیاد توسط معدودی، و متضرر شدن عده‌ای بیشمار، بعلت کاهش زیاد ارزش سهام آنان است.

تسهیلات و اعتبارات بانکی

یکی از سهل‌ترین طرق دستیابی به ثروت‌های کلان، بدست آوردن اعتبارات بانکی است. افرادی که به نحوی از انحاء به امتیاز امکان استفاده از تسهیلات بانکی دسترسی می‌یابند با فرصتهای طلایی روبه‌رو می‌شوند. اگر چه اخذ اعتبارات بانکی کلان امکانات مساعد برای ثروتمند شدن عده قلیلی را فراهم می‌آورد، ولی از طرف دیگر، راه یافتن به شبکه اعتبارات بانکی کار ساده‌ای نیست. هزاران زوج جوان که تازه ازدواج کرده‌اند، وقتی برای تسهیلات بانکی مصوب مجلس به مبلغ یکصد و یادویست هزار تومان به بانکی مراجعه می‌کنند و می‌خواهند باین پول به زندگی خود سامانی دهند، اگر فوراً جواب منفی از رئیس شعبه دریافت نکنند، در مراجعات بعدی با انواع موانع و اهرمهای کنترل مواجه می‌شوند و همین مضایق سبب می‌شود که عده‌ای تصمیم بگیرند عطای چنین وامی را به لقا پیش بپوشند، اما از طرف دیگر همین بانکه‌ها اعتبارات چند میلیارد تومانی بدون ضمانت کافی به عده‌ای می‌دهند که نه توجیه اقتصادی دارد و نه دادن چنین وامی ضرورت داشته است. داستان اعتبارات ۱۲۳ میلیارد تومانی از این قبیل اعتبارات بود که نظیر آن صدها و شاید هزارها مورد دیگر وجود داشته باشد، ولی بهر حال این یکی «لوه رفت».

باید توجه داشت که در ایران نظیر اکثر کشورهای جهان سوم در جوار بازار رسمی پول و سرمایه، یعنی سیستم بانکی، یک بازار «سازمان نیافته» پولی دیگر

هم وجود دارد. رباخواری-که در بیشتر مواقع بازار اول را تکمیل می‌کند. و از آنجا که نرخ وامهای سیستم بانکی اختلاف فاحشی با بازار «نزول» دارد، همه سعی دارند که برای دریافت وام نخست به سیستم بانکی مراجعه کنند و اگر در آنجا موفق نشدند سپس از بازار «تشکل نیافته» پولی استفاده کنند و بهره‌های زیاد از حداقل ۳۶ درصد تا اکثراً ۴۸ درصد و بعضاً ۶۰ درصد را بپردازند. حال اگر در نظر بگیریم که نرخ بهره اعتبارات دولتی از ۴ درصد (اعتبارات تبصره‌ای بودجه) تا ۱۳ و ۱۶ درصد (اعتبارات کشاورزی) و ۱۶ تا ۲۴ درصد (اعتبارات مختلف بانکها) نوسان دارد و شخصی قادر شود مبالغ کلانی از بانکها دریافت کند و درصد ناچیزی از آن را در بازار آزاد (سازمان نیافته) پول وام دهد، چه سود زیادی خواهد برد. با بقیه وام دریافتی نیز می‌تواند احیاناً پروژه‌ای را پیاده کند و از این راه نیز به ثروتهای باد آورده دست یابد.

طرفی را که در فوق بدانها اشاره کردیم، راههایی است که تعدادی زیادی توانسته‌اند، از آنها استفاده کنند، ثروتهای کلانی را خیلی سهل و آسان صاحب شوند و در جمهوری اسلامی «طبقه جدیدی» را بوجود آورند. «تا وقتی که این راهها وجود داشته باشد، یعنی تا زمانی که قیمت زمین و مسکن سالانه ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یابد، تازمانی که برای واردات یا صادرات کالاهای خاص مجوز داده شود، تازمانی که سهمیه بندی وجود داشته باشد، تازمانی که چندین نوع ارزی قیمت‌های متفاوت یافت شود، تازمانی که واگذاری کارخانه‌ای جنبه پاداش به فرد یا گروهی راداشته باشد، تازمانی که همه چیز حتی تولید کارخانه‌های دولتی در دست واسطه‌ها و دلالان باشد، و بالاخره تازمانی که «رانت» وجود داشته باشد، «رانت جویان» پیدا خواهند شد و به ثروتهای کلان دست خواهند یافت.

اگر نحوه به دست آوردن ثروتهای کلان و بادآورده را بار دیگر مرور کنیم، خواهیم دید که این ثروتها یا در اثر سیاستهای اقتصادی دولت، نظیر دادن سهمیه و مجوز و یا عدم مبارزه کافی با تورم نصیب عده معدودی می‌شود، و یا نتیجه فساد و ارتشاء در دستگاههای دولتی است که کارمندان دولت حاضر می‌شوند، رشوه بگیرند و «زد و بنده» کنند. که باز اینجا هم دولت به علت عدم کنترل کافی و شایسته دست‌اندرکار است.

ثروتهای بادآورده اثرات

سوء عمیقی در جامعه برجا گذاشته است؛ یکی از این آثار این است که همه می‌خواهند «سهل» و «سریع» ثروتمند شوند و در این راه، و برای رسیدن به هدف هیچ «تقری» و «اخلاقی» را در نظر نمی‌گیرند. تمام ارزشهای انسانی نظیر «کار کردن»، «پس انداز کردن» و «قانع بودن» و با درآمد کم ساختن در نظر خیلی‌ها بی‌ارزش شده است.

ایده آل‌های جامعه، یعنی آنچه که یک جامعه را نسبت به جامعه دیگری متمایز می‌کند و تاریخ و تمدن آن را می‌سازد، در اینجا تبدیل به «پول‌سازی» سهل و آسان می‌شود، تازه آن هم نه از طریق کار و کوشش و پس انداز و سرمایه گذاری کردن و بازارهای جدید برای تولیدات نبودست آوردن، بلکه از راه «زد و بند» و «ارتشاء» و «فساد».

علی‌الاصول باید توجه داشت که «سیستم سرمایه‌داری» طوری شکل گرفته و تکامل یافته که پول پول می‌آورد و اغنیاء غنی‌تر می‌شوند، حال اگر در اثر سرمایه‌گذاری‌های جدید، درآمد ملی افزایش یابد و توزیع درآمد تغییر نکند، کارگران و کشاورزان نیز از این افزایش درآمد ملی بی‌نصیب نخواهند بود و بر درآمدشان افزوده خواهد شد و می‌توان گفت این جامعه نسبت به دوره قبل ثروتمندتر شده است و اگر تولید ناخالص ملی به قیمت‌های ثابت بطور مرتب افزایش پیدا کند، درآمد سرانه و درآمد ملی و در نتیجه ثروت ملی ازدیاد می‌یابد و وضع مالی مردم بهتر خواهد شد؛ بنابراین، افزایش درآمد و ثروت در یک جامعه و در نزد افراد مذموم نیست، بلکه قابل ستایش است و تا درآمد و پس‌اندازی در جامعه‌ای وجود نداشته باشد، قدرت سرمایه‌گذاری هم بوجود نخواهد آمد. و ازدیاد درآمدی در دوره بعد نیز امکان‌پذیر نخواهد بود. آنچه مذموم است و آنچه ارزشها را به هم می‌ریزد و در نظام اقتصادی اختلال پدید می‌آورد به دست آوردن ثروتهای سهل و آسان از طریق وابستگی‌ها و زد و بندهاست. □

شرکت شیشه

تولیدکننده انواع شیرآلات بهداشتی و ساختمانی

دفتر مرکزی: میدان ونک، خیابان ملاصدرا، شماره ۹۲

تلفن: ۸۰۳۲۴۵۵ - ۸۰۳۶۹۴۴ - فاکس: ۸۰۳۶۱۹۷

کارخانه: خیابان دماوند، خیابان سازمان آب، شماره ۱۴

تلفن: ۸۱ - ۷۳۴۹۶۷۸ فاکس: ۷۳۳۴۹۴۳

اقتصادی